



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

پنجشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۴ • سال سی و دوم • شماره ۸۹۴۲
• اذان ظهر ۱۲/۱۶ • اذان مغرب ۱۷/۴۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ • اذان صبح فردا ۵/۴۳ • طلوع آفتاب فردا ۷/۱۰

irannewspaper.ir

ایران

سخن‌روز

حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع):

اندیشیدن پیش از پرداختن به کار [آدمی را] از پشیمانی ایمن می‌گرداند.

بحار الانوار، ج۶۸، ص۳۳۸

مجید مجیدی پشت دوربین «غذای نیم‌روز»

جدیدترین اثر مجید مجیدی با نام «غذای نیم‌روز» در سیستان و بلوچستان فیلمبرداری شده است. مجیدی پیش از آغاز فیلمبرداری با معاون استاندار سیستان و بلوچستان و همچنین فرماندار جاپهار دیدار کرد و هدفش را از ساخت فیلم در جاپهار معرفی آداب و رسوم توانمندی‌های جوانان بااستعداد منطقه عنوان کرد. «غذای نیم‌روز» محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و بنیاد سینمایی فارابی است و گویا مضمونی درباره عدالت آموزشی دارد. احتمالاً اولین نمایش این اثر در جشنواره چهل و چهارم فجر باشد. **امهر**

امیرآقای با «کارواش» در جشنواره فیلم فجر

فیلم سینمایی «کارواش» به تهیه‌کنندگی بهروز مفید و کارگردانی احمد مرادپور نسخه بازبینی خود را به دبیرخانه جشنواره فیلم فجر فرستاده است. در این فیلم امیرآقای «کارواش» با موضوع فساد اقتصادی ساخته شده و فضایی عدالت‌خواهانه دارد. این فیلم محصول بنیاد سینمایی فارابی است و با همکاری و مشارکت سازمان امور مالیاتی ساخته شده است. از فیلم‌هایی که مرادپور کارگردانی کرده، می‌توان به «سجاده آتش»، «رنجر» و «کارو» اشاره کرد. **ایرنا**

رضا مسومی «کارگردان جوان سینما»

«سعید جلیلی» کارگردان جوان سینما با فیلم «قاطع نهایی شب» به جشنواره ملی فجر می‌آید. مهدی مددکارشوئیلی تهیه‌کننده این فیلم است. در این فیلم سینمایی که شانس بالایی برای پذیرفته شدن در بین ۱۳ اثر منتخب چهل و چهارمین جشنواره ملی فجر قرار دارد، رویا جاویدنیا ایفای نقش می‌کند. جاویدنیا علاوه بر این اثر، در «زننده‌شور» به کارگردانی کاظم دانشی هم ایفای نقش کرده و طبق اطلاعات موجود، با دو اثر به جشنواره چهل و چهارم فجر خواهد آمد. **ایرنا**

مهدی Moghaddam «کارگردان جوان سینما»

تئاتر باید در هر شرایطی به حیات خود ادامه بدهد

در این دوره از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر شاهد حضور فعال‌تر شهرستانی‌ها نسبت به دوره‌های گذشته بودیم. میزان پذیرش آثارشان به دلیل کیفیت برتر ۷۰ درصد است. یعنی ۷۰ درصد شرکت‌کننده‌های این دوره از جشنواره شهرستانی‌ها و ۳۰ درصد تهرانی‌ها هستند. ما امتیاز ویژه‌ای برای شهرستانی‌ها در نظر نگرفتیم. کیفیت آثار آنها بالا بود. تئاتر جزو ملزومات زندگی بشری از آغاز تاکنون است و در هر شرایطی تئاتر باید به حیات خودش ادامه دهد. تئاتر و جشنواره فجر تعطیل شدن نیست. ایران یک کشور فرهنگی با تمدنی کهن و جشنواره تئاتر فجر نیز برآیند فعالیت‌های تئاتری کشور است. جشنواره تئاتر فجر باید برگزار شود تا همه زحمات هنرمندان تئاتر را ببینند. درباره برگزاری جشنواره در شهر کرمان باید بگویم فکر تمرکززایی جشنواره تئاتر فجر از سال‌های پیش وجود داشته است. خوشبختانه امسال کرمان این ظرفیت را ایجاد کرد. امیدوارم در سال‌های آینده شاهد برگزاری این رویداد در استان‌های بیشتری باشیم.

کرنده‌ای از صحبت‌های حسین مسافر آستانه
مشاور عالی دبیر چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر/ ایرنا

پیشخوان فرهنگی

«تحفه نطنز» در تماشاخانه سنگلج

نمایش کمدی‌موزیکال «تحفه نطنز»، پس از حضور در جشنواره تئاتر فجر، از ۱۴ بهمن اجرای خود را در تماشاخانه سنگلج آغاز می‌کند. در این نمایش، نگین تقوی‌راد، الهه تنهایی، آرزو خلیلی، نیکو دوبرادر، نوشین سرکوبی، عسل غروی، محسن میرهاشمی و رضا نعمتیان به ایفای نقش می‌پردازند. داستان این نمایش که نویسندگی و کارگردانی آن را آرزو خلیلی بر عهده دارد، درباره دختری جوان است که در مجلس عقد خود، به دلیل دیرآمدن داماد، مورد سرزنش میهمانان قرار می‌گیرد. او برای رهایی از ننگ بدنامی، پرده از رازی می‌دارد که تمام مردان ولایت در آن نقش داشته‌اند. با برمال شدن این راز، پای زنان آبادی نیز به ماجرا باز می‌شود و همگی در پی چاره‌جویی برمی‌آیند. آهنگسازی این نمایش کمدی‌موزیکال را انیما فرماندپاد و طراحی موسیقی آن را مهرداد ابریشم‌کار بر عهده دارند.

«خیاط کوچولوی شجاع» روی صحنه

تئاتر موزیکال «خیاط کوچولوی شجاع» به کارگردانی پریسا خدوردی و افشین حسینی از بهمن ۱۴۰۴ روی‌های سه‌شنبه تا جمعه ساعت ۱۶:۳۰ در «تالار بوعلی حسینی» به روی صحنه می‌رود. این نمایش شاد و پره‌ویژه کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۲ سال، با داستانی مهیج به نویسندگی اوراند هریس و ترجمه حسین فدای حسین تایا پارسا بهمن در فرهنگسرای ابن سینا اجرا خواهد شد. قصه این نمایش روایت زندگی یک خیاط کوچک است که همواره در سفر بود و به هر کسی که نیاز به کمک داشت، یاری می‌رساند. این خیاط برخلاف ظاهر کوچک و شغل ساده‌اش، دارای ذهنی آماده و قلبی شجاع است و این خیاط کوچک با شجاعت و استفاده از تدبیر و هوش خود، وارد ماجراهای مختلفی می‌شود.

«بادار» روی آنتن تماشا

مجموعه تلویزیونی «بادار» به روی آنتن شبکه تماشا رفت. این مجموعه هر روز ساعت ۱۷ از شبکه تماشا پخش و بازپخش آن نیز در ساعات ۲ و ۹ روی آنتن می‌رود. «بادار» به قلم فاطمه سلطانی، مصومه میرابوطالبی و ژینب امامی نیا نوشته شده و سیروس حسن پور کارگردانی آن را بر عهده دارد. مجموعه بادار با محوریت خانواده، فرهنگ و اجتماع، به بررسی سبک زندگی و ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی مردمان بومی، به‌ویژه در منطقه سیستان و بلوچستان می‌پردازد. محمد رشو، فرشته سرابندی، حسین شریفی، هومن برقی نور، کاوه خدانشاس، نیلوفر کوخانی، بیتا سرخرخیز، آرتین ترکاشوند، رضا خدادادیگی، مهدی میامی، فهیمه مؤمنی، جواد سلطانی، امیرسام موسوی، عبدالرضا نصاری، مهدی شیخ عیسی و صادق سهرابی از بازیگران این مجموعه هستند.

انتشار ماهنامه تئاتر «صحنه»

سیزدهمین و چهاردهمین شماره از ماهنامه تخصصی تئاتر «صحنه» مختص آبان و آذر ماه ۱۴۰۴ منتشر شد. جدیدترین شماره ماهنامه تخصصی تئاتر «صحنه» در قالب ۲۹۹ صفحه و فصل‌های «تئاتر ایران»، «ایران در گذر زمان»، «میز ایران»، «تئاتر جهان»، «نقدنامه»، «نقد حضوری»، «نقد اجرا»، «معرفی کتاب»، «نقد اجرا»، «در گستره امروز»، «نگو داشت» و چکیده انگلیسی به چاپ رسیده است. در فصل «ایران در گذر زمان» این شماره از مجله «صحنه»، دو مقاله از آیدا مؤننی بیستگانی و ریحانه امیری وجود دارد که هر کدام به دو نمایشنامه‌نویس در دوران پهلوی اول پرداخته‌اند. فصل «میز ایران» این شماره به یارعلی پورمحمد اختصاص دارد و متشکل از ۵ مقاله است. همچنین در فصل «تئاتر جهان» این شماره مطالبی با عناوین «بررسی نمایشنامه خانه عروسک اثر هنریک ایپسن الیانا تقوی»، «کمدی نویس فرانسوی»، نوشته جیمز برنارد متیوس ترجمه آندیا حمیدی، «نمایشنامه‌های خوش‌ساخت: از ساردوتالیپس» نوشته آندیا به ترجمه کوروش یلوری و «خانه عروسک خوش‌ساخت: تأثیرات اژون اسکرپ بر آثار هنریک ایپسن»، نوشته ژنی لاتوئ و به ترجمه کیانا نوروزی به چاپ رسیده است. فصل پایانی ماهنامه «صحنه» نیز با عنوان «نگو داشت» و چکیده علی دهباشی اختصاص دارد؛ در این فصل، شیوا قوامی پور، زندگی‌نامه‌ای از علی دهباشی نوشته است. نصراالله قادری به بهانه نکوداشت علی دهباشی، یادداشتی تحت عنوان «رنج عشق کشیده‌است که می‌رسد!» نگاشته. بخشی از مقدمه کتاب در دست انتشار امیربخارا (شناخت‌نامه علی دهباشی) بخشی و مهرارز دهباشی به چاپ رسیده و گفت‌وگویی از علام‌حسین دولت‌آبادی با علی دهباشی نیز به چاپ رسیده است.

«کیان ایرانی» یک نقش ماندگار

نام رضا رویگری برای نسل جدید بیش از هر چیز با «مختارنامه» گره خورده است؛ با نقش کیسان ابوعمره، شخصیتی که میان قساوت، تردید و وفاداری در نوسان بود و بازی او به این چندلایگی جان بخشید. این نقش آفرینی باعث شد رویگری دوباره به مرکز توجه بازگردد و خاطرات بسیاری را در ذهن مخاطبان ایجاد کند. پارادوکس اینجاست که خود او بعدها گفته بود پس از بازی در همین سریال، برای چهار سال در تلویزیون ممنوع تصویر شده است؛ آن هم بدون آنکه توضیح روشنی درباره علت این تصمیم داده شود.

عین حال تنها، تصویری پیچیده و چندوجهی

در مرکز پلان از فیلم «پیرپسر» ساخته اکتای برهانی، با نقش آفرینی در «شاه‌نقش» آخرین ساخته شاهد احمدلو، نشان می‌دهد که برای رویگری، بازیگری نه شغل که زیست بود؛ چیزی که تا واپسین سال‌ها رهاپیش نکرد. مرگ او، بیش از آنکه صرفاً خبر از دست رفتن یک هنرمند باشد، یادآور گذر زمان بر نسلی از بازیگران است که ستون‌های اولین سینمای پس از انقلاب را شکل دادند. نسلی که با امکانات محدود، قواعد ناپایدار و فضایی پر از ابهام کار کرد، اما توانست مخاطب بسازد، خاطره خلق کند و زبان تصویر برای جامعه‌ای در حال تغییر معنا ببخشد. رضا رویگری از همین نسل بود؛ نسلی که کمتر فرصت بازتعریف دوباره خود را یافت و اغلب در میان تحولات رسانه‌ای و تغییر ذائقه مخاطب، به حاشیه رانده شد. درگذشت او فرصتی است برای بازنگری در نحوه مواجهه ما با هنرمندان، به‌ویژه آنها که دیگر

رضا رویگری رفت، اما تصویرش باقی می‌ماند؛ در قاب‌های قدیمی فیلم‌ها، در سکانس‌های پر تنش «مختارنامه» در خاطرات نسلی که با هیجان نقش‌هایش بزرگ شد

عین حال تنها، تصویری پیچیده و چندوجهی ارائه داد؛ شخصیتی که در مرز ابتدال و تراژدی حرکت می‌کرد. او با کمترین دیالوگ و بیشترین اتکا به نگاه و بدن، تلخی یک زیست فرسوده را به تماشاگر منتقل می‌کرد. «آقا شاپوری» نمونه‌ای بود از توانایی رویگری در فاصله گرفتن از کلیشه‌های پیشین و ورود به قلمرویی تازه؛ جایی که شرارت، ضعف و انسانیت به شکلی همزمان در یک چهره جمع می‌شد. این نقش کوتاه اما دقیق، نشان داد که او هنوز هم می‌تواند مخاطب را غافلگیر کند و از دل یک حضور محدود، تصویری ماندگار بسازد.

رویگری در اواخر دهه ۱۳۸۰ و دهه ۱۳۹۰ در فیلم‌های پرچاشی‌های حضور یافت؛ آثاری که گاه بیش از آنکه به خاطر کیفیت هنری‌شان به یاد آورده شوند، به دلیل حواشی پیرامونی مطرح شدند. با این حال، او هرگز از بازیگری فاصله نگرفت. حتی بیماری و دشواری‌های جسمی نیز نتوانست او را از صحنه دور کند. حضور کوتاهش

به بهانه درگذشت **رضا رویگری** بازیگری از نسل سخت‌جان سینمای ایران

پایان یک خاطره از حافظه جمعی ما



عمده حضور حرفه‌ای او در دهه‌های شصت و هفتاد شکل گرفت؛ زمانی که سینمای ایران به آثار اکشن و ماجراجویانه نیاز داشت و نسل جوان به دنبال قهرمانانی تازه بود. رویگری یکی از چهره‌هایی بود که این نیاز را پاسخ داد. او نه ستاره‌ای زرق‌وبرق‌دار بود و نه بازیگری که بر موج شهرت سوار شود؛ بلکه با کار مداوم و انتخاب نقش‌هایی که اغلب در لبه هیجان و خطر قرار داشتند، تصویری مردانه، صریح و قابل باور ساخت. در آن دوران، مخاطب با او همراه می‌شد، به او اعتماد می‌کرد و در نقش‌هایش ردپای از زندگی واقعی می‌دید.

در کنار نقش تاریخی کیان در سریال مختارنامه که نقطه عطفی در کارنامه او بود نباید از بازی درخشان اما کوتاه‌او در فیلم بوتیک ساخته حمید نعمت‌الله غافل شد؛ حضوری که با وجود سال‌ها توانست با فیزیک خاص، نگاه نافذ و صدایی که وزن داشت، جای خود را در ذهن مخاطبان باز کند.

علی نعیمی منتقد سینما

یادبود

رضا رویگری برای چند نسل از مخاطبان ایرانی، فقط یک بازیگر نبود؛ او بخشی از حافظه جمعی ما بود. چهره‌ای که از دهه شصت و هفتاد، در قاب سینما و تلویزیون نشست و با نقش‌های اکشن، جوان‌پسند و پرانرژی، همچنان وجسارت را به تصویر کشید. بازیگری که حضورش یادآور دورانی است که سینمای ایران در حال بازتعریف خود پس از انقلاب بود و تلویزیون به مهم‌ترین رسانه عمومی بدل شده بود. رویگری در همان سال‌ها توانست با فیزیک خاص، نگاه نافذ و صدایی که وزن داشت، جای خود را در ذهن مخاطبان باز کند.

فیلم‌هایی مانند «**احمد**» چگونه «**امر ملی**» را به تصویر می‌کشند؟

قصه‌های یک ملت



ایده می‌رود، به‌گونه‌ای آن را به تصویر می‌کشد که خروجی‌اش پس از سال‌ها همچنان به‌عنوان نمادی از «سینمای ملی» قلمداد می‌شود؟ راز و رمز این نگاه در روایتگری چیست و چگونه است که یک کارگردان می‌تواند طیف متنوعی از قصه‌ها را کالبدی از تجربه‌های یک ملت را به تصویر درآورد؟

سال‌هاست که از درگذشت زنده‌یاد علی حاتم می‌گذرد و در این سال‌ها کم نبوده‌اند منتقدان و اصحاب رسانه‌ای که تلاش کرده‌اند برپایه تجربه‌های این فیلمساز خبره و توانمند، چهارچوبی قابل تعریف و تعمیم از «سینمای ملی» ارائه کنند. شاید یکی از مهم‌ترین

ایده می‌رود، به‌گونه‌ای آن را به تصویر می‌کشد که خروجی‌اش پس از سال‌ها همچنان به‌عنوان نمادی از «سینمای ملی» قلمداد می‌شود؟ راز و رمز این نگاه در روایتگری چیست و چگونه است که یک کارگردان می‌تواند طیف متنوعی از قصه‌ها را کالبدی از تجربه‌های یک ملت را به تصویر درآورد؟

سال‌هاست که از درگذشت زنده‌یاد علی حاتم می‌گذرد و در این سال‌ها کم نبوده‌اند منتقدان و اصحاب رسانه‌ای که تلاش کرده‌اند برپایه تجربه‌های این فیلمساز خبره و توانمند، چهارچوبی قابل تعریف و تعمیم از «سینمای ملی» ارائه کنند. شاید یکی از مهم‌ترین

مفهومی کلیدی است که می‌توان نام «امر ملی» را بر آن گذاشت؛ مفهومی چندلایه که به همان اندازه که نسبت میان شخصیت‌ها و فضای کلی داستان را در دل خود تعریف می‌کند، چهارچوب روایت را هم شکل می‌دهد. اگر بخواهیم امر ملی را در خلاصه‌ترین حالت خود توضیح دهیم، مهم‌ترین ویژگی نهفته در دل آن، ریشه داشتن در یک تجربه عمومی است؛ تجربه‌ای که گاه محدود به ساکنان یک شهر یا کشور می‌شود و گاه می‌تواند جنبه‌های انسانی و فراملی هم به خود بگیرد اما موضوع این نوشتار، ناظر به همان بخشی است که تجربه‌ای ملی و محدود به مرزهای یک کشور را در دل خود جای می‌دهد.

اگر فیلم‌هایی مانند «آژانس شیشه‌ای» یا «همان مامان» در میان فیلم‌های ایرانی جایگاهی رفیع پیدا می‌کنند، سوازی از ارزش‌های سینمایی‌شان، ریشه داشتن آنها در تجربه‌های سیاسی و اجتماعی مردم ایران است. ویژگی مهمی که احتمالاً جنس مواجهه مخاطب ایرانی و مخاطب جهانی با یک اثر مشخص را متفاوت می‌کند و نمی‌توان نسبت به آن بی‌توجه بود.

از همین زاویه اگر سراغ فیلمی مانند «احمد» که این روزها در حال اکران در سینماهای کشور است برویم، طبیعتاً فراتر از ارزش‌های سینمایی و ویژگی‌های ساختاری آن که براساس استانداردهای مشخص سینمایی قابل ارزیابی و تحلیل است، می‌توانیم از یک ویژگی مهم آن هم صحبت کنیم و آن نسبت روایت فیلم با امر ملی است؛ حادثه تلخ زلزله بم که در دی‌ماه سال ۱۳۸۲ جمع زیادی از

فیلم «احمد» تلاشی درخور توجه برای بازنمایی یک تجربه ملی بر پرده نقره‌ای را به سرانجام رسانده است. فیلمی که در متن روایت خود هم «قهرمان ملی» دارد و هم مخاطب ایرانی‌اش را به بازخوانی یک «تجربه ملی» فرامی‌خواند

کلیدواژه‌ها در تعریف این رویکرد، «امر ملی» باشد. به زبان ساده‌تر، آنچه روایتگری علی حاتم را این‌گونه برای طیف گسترده‌ای از ایرانیان، آشنا و ملموس کرده، فراتر از ایده‌ها، قصه‌ها و شخصیت‌ها که برگرفته از تجربه زیسته ایرانی‌هاست، پایدندی به سنت‌های روایتگری ایرانی است؛ سنت‌هایی که احیای آنها در سینمای ایران می‌تواند برکات بسیاری را هم به همراه داشته باشد، اما آیا همه چیز در روایتگری خلاصه می‌شود؟ بخش مهمی از آنچه سبب رقم خوردن یک تجربه جمعی در مواجهه با یک اثر هنری و به‌طور خاص فیلم سینمایی می‌شود، مرهون نسبت آن با